

درباره نویسنده

جان مارتین کارگردان، پژوهشگر، و مدرس تئاتر است او در بسیاری از کشورها کارگاههایی برگزار کرده و آثاری اجرا نموده و از این کشورها تأثیرات فراوانی هم گرفته است.

جان مارتین بیش از پنجاه نمایش مختلف را در بریتانیا، فرانسه، سوئد، آلمان، هندوستان، و افریقای جنوبی کارگردانی کرده و نمایشهایش گشتهای گسترده جهانی داشته‌اند.

او علاوه بر کارگردانی، مرتباً کارگاههای تمرین خلاق برای بازیگران و دانشجویان در مدارس تئاتری مختلف کشورهای متعدد برگزار کرده است. جان مارتین مدت ده سال مدیر هنری کارگاه تئاتری بین‌المللی شیرزبرگ^۱ آلمان بود؛ آزمایشگاه تئاتر مشترک المنافع بوپال را در هندوستان تأسیس کرد؛ بنیانگذار پروژه ویدیا برای بازیگران محله‌های فقیرنشین احمدآباد هند شد؛ و اکنون مدیر هنری مرکز هنرهای میان‌فرهنگی پن در لندن است، که به بررسی امکانات جدید برای بروز هنرها در محیطهای چندفرهنگه می‌پردازد. تمرکز جان مارتین، چه در اجراهای حرفه‌ای و چه در رویدادهای اجتماعی، بر هر چه پربارتر کردن استانداردهای جدید به واسطه تعامل میان‌فرهنگی است.

درباره تصویرگر

دواراکی^۲، در طول دوره اقامت در میزور^۳ هندوستان و عضویت در گروه تئاتر رانگایانا، تصویرگری این کتاب را انجام داد. او از هنرمندان سرشناس هندوستان

۱. International Theatre Workshop, Scheersberg

۲. Dwaraki

۳. Mysore

بوده و نمایشگاههای متعددی در سرتاسر کشورش داشته است.

سپاس

با شادمانی سپاسگزار همه منابعی هستم که روشهای کاری ام با بهره گیری از آنها تکامل یافته اند. از جمله این منابع، اساتید و همکاران متعددی هستند که کارشان الهام بخش من بوده است. به خصوص باید از تأثیر بسزای اولین «معلم» هایم یاد کنم: ژاک لوکوک، ورونیکا شربورن و مونیکا پانیو. همچنین از همکاران بسیارم در کارگاه تئاتر بین المللی شیرزبرگ آلمان و اساتید هنرمند مدارس تابستانی میان فرهنگی در مرکز هنرهای اجرایی پِن بسیار آموخته ام. مهم تر از همه، این کتاب میسر نمی شد مگر با مساعدت اعضای فراوان مرکز هنرهای میان فرهنگی پِن، که این ایده ها، تمرینها و بازیها با آنان محک خورد و تکامل یافت.

در نهایت باید از شورای فرهنگی بریتانیا ممنون باشم که در طول کارهای تئاتری ام در سرتاسر دنیا از من پشتیبانی کرد و دیدارهایی را که به [تولید] این کتاب انجامید، برایم امکان پذیر ساخت.

یادداشت نویسنده

سالهای متمادی در برابر نوشتن این کتاب مقاومت کردم. خیلی از بازیگرها و شرکت کنندگان در کار گاهها از من می خواستند یادداشتهایی درباره کارم با آنان، تحویلشان دهم. آنان همیشه از من می پرسیدند چرا «روش» خودم را مستند و منتشر نمی کنم.

دلیل اصلی اش این بود که اگرچه آنان کار من را به منزله یک «روش» می دانستند، خودم چنین عقیده ای نداشتم. کار من همواره متغیر، روبه رشد، پرسشگر از خود، و پرورنده عقاید جدید بود. وقتی چیزی تثبیت شده نباشد، چطور می توان آن را نوشت؟ یا نکند می ترسیدم نوشتن، به طرزی تغییرناپذیر آن را تثبیت کند؟ در هر حال این شیوه کاری کماکان و تا همیشه تغییر می کند، اما آنچه را نوشته ام، حاصل کار تا به اینجا بوده است.

این را هم می دانستم که به چاپ سپردن فرایندی که من معمولاً شرکت کننده ها را وامی داشتم خودشان آن را تجربه کنند، خیلی دشوار خواهد بود. باید از پیش در مورد آنچه احتمال تجربه کردنش [از سوی خواننده این کتاب] وجود داشت، قضاوت می کردم، در غیر این صورت گام بعدی غیر ممکن می شد.

این دشوارترین جنبه کار بود و امیدوارم که برای کشف و تجربه شخصی، که اهمیت تامی هم دارد، به اندازه کافی جای خالی گذاشته باشم.

ترس غایی ام این بود که کتاب به دست شخصی بیفتد که با کار من آشنایی ندارد و تماماً دچار سوء تفاهم و سوء تعبیر شود. اما بگذار چنین شود. بعضی از

بزرگ ترین کشفیات شخصی از سوء تعبیرها حاصل شده اند!

اما با همه این مشکلات، چرا عقیده ام را تغییر دادم؟

باید ممنون زیکی کوفوورولا^۱ از مرکز مطالعات فرهنگی نیجریه در دانشگاه احمدو بلو^۲ باشم. بعد از برپایی کارگاهی در آنجا، او به من خاطرنشان کرد که تردیدم در مکتوب کردن کارم، دریغ کردن آن از دیگران و بسیار خودخواهانه است.

حرفش درست بود، و همین محرک من برای به عهده گرفتن این کار شد. پیشنهاد بی. وی. کارانت^۳ مبنی بر همکاری با گروه تمرینی جدیدش در میزور هندوستان، فرصتی ایدئال در اختیارم گذاشت و فرایند به کاغذ سپردن این روشها از همان جا شروع شد. بعدتر، به واسطه کارگاهها و دوره‌های تمرین نمایشهای متعدد در مرکز هنرهای میان‌فرهنگی پن و جاهای دیگر، کتاب مورد تجدید نظر قرار گرفت و مطالبی به آن افزوده شد.

این کتاب راهنما را به عنوان مسیر گام به گامی برای تمرین خلاق بازی‌گران [تئاترهای] مدرن پیشنهاد می‌کنم تا «ساز»شان را برای نواختن در تئاترهای آماده کنند که پیچیدگی فرهنگی جدید دنیای مهیج و متغیر ما را منعکس می‌سازند. امیدوارم همه کسانی که این کتاب را می‌خوانند از آن آزادانه و همچون کاتالیزوری برای کار خلاقه خودشان استفاده کنند.

۱. Ziki Kofoworola
۲. Ahmadu Bello University
۳. B. V. Karanth